

معناشناسی واژه إظهار در قرآن کریم

محمد حسین توانایی *

راضیه فلاحتی **

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۵

تاریخ تایید: ۱۳۹۹/۰۶/۲۶

چکیده:

واکاوای واژه إظهار در قرآن به روش تحلیلی - توصیفی با دقت در واژه‌های هم ریشه، هم نشین و جانشین امری است که نوشتار حاضر بدان می پردازد. اصل و ریشه إظهار "الظهر" به معنی آشکاری در مقابل پنهانی اما إظهار، ایجاد این ظهور است. بررسی این نکته در هم نشینی "رسول"، "الدین"، "اطفاء" و "إتمام" با واژه "إظهار" روشن تر می گردد. إظهار دین وظیفه خطیری است که رهبری آن به عهده "رسول دین" است که خلیفه خداست، این مسئولیت همه جانبه است اما غلبه فرهنگی بر غلبه با جنگ و قتال ترجیح دارد و این نکته از دقت در آیات دیگر به جهت انسجام متن قرآن به دست می آید؛ به عنوان مثال لفظ "جهاد کبیر" برای محاجه با قرآن و استفاده از آن برای غلبه بر ادیان و افکار منحرف استفاده شده است. تحقق وعده خدا "لیظهره علی الدین کله" به وسیله اتمام نور الهی به عهده پیروان رسول دین است. علو مقام شریعت الهی به گونه‌ای است که گرچه ممکن است پیروزی ظاهری گاهی با جبهه کفر باشد اما عزت و حکمت حقیقی و پایدار از آن عزیز حکیم خواهد بود که این مهم از رابطه إظهار با "غلبه" و "هیمنه" آشکار می گردد و مسلمانان را به این ضرورت توجه می دهد که وظیفه "إظهار دین" یعنی ابلاغ هیمنه و استحکام دین به جهت فحوای متعالی آن به عهده آنهاست.

کلیدواژه‌ها: إظهار، علو، هیمنه، غلبه، قرآن.

* استادیار گروه معارف دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج. dr.tavanaieesareh@yahoo.com

** دانشجوی دکتری مؤسسه علوم اسلامی تخصصی رفیعه المصطفی. r_falahati@yahoo.com

مقدمه

مطالعات معناشناختی زبانی با رویکرد همزمانی که به مطالعه معانی واژگان در برش خاصی از تاریخ از طریق ارتباط آنها با واژگان دیگر به مثابه عناصر به هم مرتبط در کلیت یک سیستم زبانی می پردازد، از اوایل قرن بیستم تا کنون مورد توجه و اهتمام معناشناسان بوده است (روبینز، ۱۳۸۵ش: ۴۱۸). شناخت معنای یک واژه در متن نباید جزء نگرانه باشد به گونه ای که فهم تک واژه ها مورد نظر باشد بلکه باید معنا را با رویکرد همزمانی درون یک سیستم مطالعه نمود (شریعتی، ۱۳۹۵ش: ۱۲۵) این اصطلاح نخستین بار توسط جان لاینز در کتاب "زبان، معنا و بافت" به کار رفته است و سپس در معناشناسی به اصطلاح متداول مبدل شده است (صفوی، ۱۳۸۳ش، شریعتی، ۱۳۹۵ش: ۶۳)

علم معناشناسی در معناشناسی واژه های قرآنی وسیله ای است برای فهم بهتر معانی اصطلاحات در قرآن کریم و نزدیک تر شدن به مقصود و مراد اصلی خدای تعالی. مقاله حاضر به واکاوی معنای دقیق اظهار با توجه به معانی واژه های هم ریشه مانند "ظهير"، هم نشین مانند "دين الحق" و جانشین مانند "هيمنه" می پردازد.

واکاوی معانی واژه هایی که گوینده آن حکیم و علیم مطلق است امری ضروری در ساحت علم به شمار می رود؛ چه برسد به اینکه، با همین واژه ها هر آنچه برای هدایت انسان لازم بوده در یک کتاب جاودانی و همیشگی بیان فرموده است؛ لذا ضرورت دارد اصول و قواعد انسان سازی را آنچنان که مقصود و مطلوب انسان آفرین است از متن کتاب او استخراج نماییم که فهم دقیق واژه ها و شناخت آنها مقدمه آن است.

نزدیک تر شدن به مقصود خدای تعالی از به کارگیری واژه ها، اصلی ترین هدف پرداختن به معناشناسی آنهاست. بهره گیری از نظرات لغویین و مفسرین، نقد آنها و تدبیر و تأمل در آیات شریفه قرآنی جهت رسیدن به تحلیلی شایسته، نیز به همین قصد در پژوهش حاضر صورت گرفته است. تعداد بسیاری از مقالات و بعضی از کتاب ها به معناشناسی واژگان قرآنی پرداخته اند که چند نمونه از آن را ذکر می کنیم:

- ۱- شریعتی، غلام محمد (۱۳۹۵). نقش معناشناسی زبانی در تفسیر قرآن. قم: وثوق. چاپ اول.
- ۲- نورسیده، علی اکبر / فیض الله زاده. عبدعلی / ماستری فراهانی. جواد. (۱۳۹۱) معناشناسی واژه "ولی" در قرآن کریم. پژوهشنامه نقد ادب عربی.
- ۳- توانایی، محمدحسین / صانعی پور. محمدحسن. (۱۳۸۸) سازه شناسی متن قرآن. مجله پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم.

مقاله حاضر تفاوت هایی با پژوهش های فوق دارد؛ اول آنکه واژه اظهار در هیچ پژوهشی مورد واکاوی قرار نگرفته است، دوم آنکه برای شناخت معنای واژه، از میدان های معنایی استفاده شده است.

واژه اظهار در قرآن کریم

هسته اصلی واژه "إظهار"، "الظهر" به معنی "آشکاری و نوعی انکشاف" که در آیات مختلف، با توجه به بافت معنایی آیه متفاوت است. از این ریشه ۳۹ کلمه در قرآن کریم دیده می شود که ۵۹ آیه شریفه را در بر می گیرد و همه این واژه ها در معنی اصلی آشکاری مشترک اند اما اظهار، ایجاد این ظهور است لذا فرع بر قدرت و غلبه است. برای فهم بهتر و دقیق تر این واژه ی قرآنی لازم است ابتدا معنای لغوی آن

معنی واژه "ظاهر" در آیه فوق نقل می‌کند (طوسی، بی تا: ۵۱۹/۹). اول علم است به همه آنچه آشکار و نهان می‌باشد (ابن سیده، بی تا: ۱۵۳/۱۷). قول دوم قهاریت خداوند است که هم معنی با "ظاهرین" (صف ۱۴/۶۱) و "ظهیرا" (اسراء ۸۸/۱۷) در نظر گرفته شده است و قول سوم ظاهر بودن خدای متعال به وسیله ادله و براهین است (طریحی، ۱۳۷۵ش: ۳۸۸/۳). وی هیچکدام از اقوال فوق را به تنهایی مورد تأیید خود اعلام نکرده است و به نظر هم نمی‌رسد آراء فوق تعریف دقیقی از واژه "ظاهر" در آیه مذکور باشد بلکه وجود احدی و واحدی حق تعالی که "الصمد" است و همه عالم وجود را پر کرده، ظاهری است که کنه ذات او نهایت خفاء و بطن را داراست. وحدت حقه حقیقیه که در مقابل وحدت عددی برای ذات لایزال الهی مطرح است همین نکته را در بر دارد. علامه طباطبایی دلیل این مظهریت را قهاریت خدای سبحان می‌داند و چهار اسم الاول و الآخر و الظاهر و الباطن را از فروع اسم "المحیط" که از قدرت مطلق خدای تعالی ناشی می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۱۴۵/۱۹)

می‌توان گفت: "ظهور" در واجب تعالی همان مملکت وجود اوست که منزله از قیود مادی است و مجرد و نامحدود است و سر تا سر عالم را فراگرفته به نحوی که اگر وجود دهندگی و هستی بخشی موجود بالذات، آن به آن نباشد و لحظه ای این اتصال پیوسته ی وجود فقیر به وجود غنی منقطع شود عالم را تیرگی عدم فرا خواهد گرفت .

معنای ظهور در عالیترین مرتبه ی آن که أظهر ظهورات است ، اسم شریف "ظاهر" پروردگار است اما این معنا در خصوص امر خدای تعالی (۴۸/۹) و دین حق

ذکر شود و سپس با توجه به واژه های هم ریشه، هم نشین و جانشین های آن در متن قرآن، اصطلاح "إظهار" تبیین و شرح گردد.

واژه "إظهار" از نظر لغوی

بررسی نظرات لغت شناسان نشان می‌دهد الظَّهر به معنی آشکاری در مقابل پنهانی است (الفراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۳۷/۴ ، ازهری، ۱۴۲۱ق: ۶ / ۱۳۳، ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۵۲۰/۴ ، حمیری، ۱۴۲۰ق: ۷ / ۴۲۵۵) . این درید می‌گوید هر چیزی که بالا بیاید و ظاهر شود عرب می‌گوید "فقد ظهر" و أظهر القوم إظهارا به معنی سیرکردن آن مردم در وقت ظهر است (ابن درید، ۱۹۸۸م: ۱ / ۶۸، فیومی، ۱۴۱۴ق: ۴ / ۵۲۲) می‌توان گفت وسط روز بدان جهت الظهیره یا ظهر گفته می‌شود که روشنایی آفتاب و آشکاری آن و دیگر اشیاء به واسطه آن بیش از هر زمان دیگری است؛ دقت در معنی لغوی و واکاوی آراء لغت دانان در این زمینه رهنمون خوبی جهت فهم این معناست.

راغب و زمخشری دو معنای مرتبط با یکدیگر را که عبارت اند از آشکار کردن و یاری دادن برای إظهار ذکر می‌کنند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ش: ۵۴۱، زمخشری، ۱۳۸۶ش: ۱۹۴) . به نظر می‌رسد "إظهار" در دو معنای یاد شده مشترک لفظی است اما با تأمل بیشتر که تفصیلش خواهد آمد روشن می‌شود که معنی هر دو به یک اصل و ریشه بر می‌گردد.

کاربرد واژه های هم ریشه با إظهار در قرآن

واژه "ظاهر" که ظهور و آشکاری وجود حق تعالی را می‌رساند به عنوان اسمی از اسماء خداوند ذکر شده است : هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن و هو بكل شیء علیم (حدید ۳/۵۷) شیخ طوسی سه قول را برای

ی "ظاهره" در آن آیه شریفه فهمیده می شود همان انکشاف و آشکاری است که ظهور و جلوه اسم "الظاهر" خدای عزوجل در عالم وجود است.

انسان به عنوان موجودی که از قدرت و اراده ی بالذات باریتعالی، قدرت و اراده ای محدود و بالعرض گرفته است می تواند با سوء اختیار خود منجر به ظهور فحشاء، فساد و گناه در عالم شود. آیات زیر چنین امری را یادآور می شود: «و ذروا ظاهر الاثم و باطنه» (انعام ۱۲۰/۶) «و لاتقربوا الفواحش ما ظهر منها و ما بطن» (انعام ۱۵۱/۶) «ظهر الفساد فی البر و البحر» (روم ۴۱/۳۰) «انی أخاف أن یبدل دینکم أو أن یظهر فی الارض الفساد» (غافر ۲۶/۴۰)

معنای مطلق ظهور و انکشاف در آیات دیگری از قرآن به چشم می خورد که مربوط به امور دیگری غیر از سوء اختیار انسان است و به حسب همان امر معنای می شود مثلا آنجا که می فرماید: "یعلمون ظاهرا من الحیاه الدنیا و هم عن الاخره هم غافلون" (روم ۷/۳۰ و سبأ ۱۸/۳۴ و کهف ۹۷/۱۸) ظاهر دنیا در مقابل حقیقت و باطن آن مطرح شده است و این حقیقت همان است که در آیه ۲/۳ متقین را به باور آن ستوده است (طوسی، بی تا: ۵۵/۱) غیب به معنای امور پنهانی در مقابل امور ظاهری و آشکار، باور امور ملکوتی اعم از ملکوت علیا و سفلی، مطلبی است که اساس ایمان و تقوا را در بر می گیرد.

واژه دیگری که هم ریشه با اظهار است و در متن قرآن از آن استفاده شده (احزاب ۴/۳۳، مجادله ۵۸ / ۲ و احزاب ۴/۳۳) "لا یظاهرون" است که همان "یتظاهرون" با ادغام تاء در ظاء می باشد. "الذین یظاهرون منکم من نسائهم ما هن أمهاتهم . . . و الذین

(۳۳/۹، صف / ۹، فتح / ۲۹) نیز به کار رفته است. گرچه کاربردهای آن منحصر به این دو امر نیست اما اظهاراتی که فاعل آن خدای سبحان باشد همین دو موضع اند. اظهار دین حق که با کلمه "لیظهره" در سوره های توبه، فتح و صف در قرآن کریم آمده شاهد مثال اصلی در مقاله حاضر است که پس از بررسی واژه های هم ریشه و همنشین به این مهم پرداخته خواهد شد.

لازم به ذکر است که "إظهار" در معنای سلبی آن در خصوص مکنون بودن علم غیب الهی با تعبیر "لا یظهر" (جن / ۲۶) به کار رفته است که با توجه به ساختار آیه شریفه "لا یطلع" معنی می دهد (مدنی، ۱۳۸۴ش: ۳۴۶/۸، طریحی، ۱۳۷۵ش: ۱۳۵ / ۲، فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۳۶۸ / ۶، طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۲۵ / ۳۹۵)

پس از بیان معنای ظهور و ظاهر کردن (إظهار) در خصوص خدای سبحان، نوبت به نعمت های الهی می رسد که قرآن کریم از آنها نیز با تعبیر "ظاهره" و "باطنه" یاد می کند، آنجا که می فرماید: "و اسبغ علیکم نعمه ظهره و باطنه" (لقمان ۲۰/۳۱) نعمت های ظاهر و آشکار خداوند منظور است که در مقابل آن باطن و پنهان است (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۱۸۵ / ۱۹، طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۲۲۸ / ۱۶، بحرانی، ۱۴۱۶ق: ۴ / ۳۷۶، آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۹۱/۱۱). بعضی از مفسرین معنای نعمت ظاهر را آن چیزی می دانند که با مشاهده فهمیده می شود و نعمت باطن را آنچه که فقط با دلیل می توان درک کرد (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۴۹۹/۳). می توان گفت صرف نظر از علت آشکاری یا پنهانی امر که علم با مشاهده یا علم با دلیل باشد معنایی که از واژه

تظاهرا علیه " عنوان شده که در آیات دیگری نیز این معنا به چشم می خورد (ممتحنه ۲۰/۶۰، کهف ۲۰/۱۸، سجده ۲۶/۳۳، بقره ۸۵/۲) ضمن اینکه عبارت انتهایی آیه به معنای معین و یاری کننده است که در قدرت بخشی به انسان مانند صلابت پشت آدمی است (طوسی، بی تا: ۴۸/۱۰، طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۴۷۴/۱۰). آیات دیگری نیز با لفظ " ظهیر " این مفهوم را در بر دارد (اسراء ۸۸/۱۷، نور ۵۸/۲۴، فرقان ۵۵/۲۵، قصص ۱۷/۲۸، قصص ۸۶/۲۸، سبأ ۲۲/۳۴)

دو واژه دیگر که با واژه " اظهار " هم ریشه اند و مفهوم آنها به یک اصل واحد بر می گردد " ظهور " و " ظهیر " است که گاهی همنشین واژه " وراء " می شود و معنی إعراض و به فراموشی سپردن می دهد (جوهری، ۱۳۷۶ق: ۷۳۰/۲) مانند " فبذوه وراء ظهورهم " (آل عمران ۱۸۷/۳ و بقره ۱۰۱/۲، انعام ۳۱/۶) و " واتخذتموه وراءكم ظهیرا " (هود ۹۲/۱۱) نظر به بررسی های انجام شده و با توجه به واژه های مختلفی که هم ریشه با اظهار آورده شد و اشتراک آنها در اصل واحد ملاحظه گردید می توان گفت " ظهر " در مقابل " بطن " یعنی " ظهور " در مقابل " بطون " است مطلقا اما اظهار که ایجاد ظهور می باشد چنانچه آورده خواهد شد فرع بر قدرت و غلبه است .

اکنون تبیین واژه " اظهار " در آیات مورد نظر که پیش از این بدان اشاره شد با توجه به هم نشین ها و سپس جانشین های آن در متن مورد نظر است . با اندی تامل در متن قرآن و استخراج کلیدواژگان قرآنی می توان چنین برداشت نمود ه هم نشین ها عبارت اند از: رسول، دین حق، إطفاء، إتمام و جانشین ها، ظفر، غلبه، علو، هیمنه می باشند.

یظاهرون من نسائهم ثم یعودون لما قالوا فتحریر رقبة من قبل أن یتماسا " . بررسی های انجام شده نشان می دهد که این واژه نیز مأخوذ از " ظهر " در مقابل " بطن " است و هنگامی که عرب به همسر خود بگوید " انت علی کظهر اُمی " ، زن خود را بر خود حرام کرده است ؛ الأزهري می گوید : " فأقام الظهر مقام الركوب لأنه مرکوب و أقام الركوب مقام النكاح لأن النكاح ركب و هذا من استعارات العرب في الكلام " (الأزهري، ۱۴۲۱ق: ۲۱۸/۱)

" ظهیره " نیز واژه ای است که در فهم معنائشناختی " اظهار " لازم است بدان پرداخته شود . ظهور ، بروز و انکشاف معنای ریشه ای این واژه است و به همین دلیل زمان بالآمدن آفتاب و اظهار اشياء به واسطه آن را " ظهر " یا " وقت الظهیره " می گویند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۴۷۱/۳) که شاهد مثال آن در عبارات زیر دیده می شود: « وحين تضعون ثيابكم من الظهیره » (نور ۵۸/۲۴) « و له الحمد في السموات و الارض و عشيا و حين تظهرون » (روم ۱۸/۳۰) در مورد انسان هم قریب به این معنا قابل ذکر است (آل عمران ۹۴/۳، توبه ۳۵/۹، انعام ۱۴۶/۶) زیرا پشت او از صلابت و استحکامی برخوردار است که بطن او چنین نیست (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ش: ۲۲۳/۷)

به نظر می رسد پشتوانه و پشتیبان بودن برای یکدیگر نیز از همین روست که " مظاهره " و " ظهیر " نامیده شده است: «إن تتوبا إلى الله فقد صغت قلوبكما و إن تظاهرا علیه فإن الله هو مولیه و جبریل و صلح المؤمنین و الملائكة بعد ذلك ظهیر » (تحریم ۴/۶۶) پشت بر پشت یکدیگر دادن و هم داستان شدن بر آزار رسول الله صلی الله صلی الله علیه و آله مطلبی است با "

هم نشینی واژه إظهار با " رسول "

واژه " رسول " در آیه ۹ سوره صف هم نشین " إظهار " شده است که لازم است ابتدا آیه مورد نظر و آیه قبلی آن را مورد بررسی اجمالی قرار دهیم تا دلیل هم نشینی مذکور آشکار گردد . " یریدون لیطفثوا نورالله بأفواههم و الله متم نوره و لو کره الکافرون (۸) هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون " (۹/۶۱)

از آنجایی که دشمنان سعی بر ابطال دین داشتند خداوند بیان می دارد که هرگز اجازه این امر را نمی دهد و امر خود را به اتمام خواهد رساند . در بیان کیفیت این اتمام می فرماید : " خدا آن کسی است که رسول خود محمد صلی الله علیه و آله را با هدایت - و یا با آیات و معجزات - و با دینی فرستاد که با فطرت و حقیقت آفرینش منطبق است ، فرستاد تا آنرا بر سایر ادیان غلبه دهد هرچند مشرکان نخواهند و ناراحت شوند " . (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۳۲۹/۹)

فخر رازی وجوه مختلفی را برای این آیه شریفه در خصوص " لیظهره علی الدین کله " نقل کرده است :

۱- گرچه اسلام و مسلمین قاهر به همه کفار در همه ممالک نشدند اما به جهت غلبه بر اکثری آنها این خبر غیبی الهی را متحقق می دانیم . چنانچه هیچ دینی مثل اسلام قهر و غلبه بر ادیان دیگر پیدا نکرد ، غلبه بر یهود و خارج کردن آنها از بلاد عرب ، غلبه بر نصاری و بیرون کردن آنها از بلاد شام و همه سرزمین هایی که تحت سیطره شام بود ، مجوس و بت پرستان را نیز در بسیاری از سرزمین هایشان غلبه کرد و اسلام را قاهر و مسلط بر آنها کرد . لذا این تحقق خبر غیبی خداوند و معجزه الهی است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۳۳/۱۶)

۲- این وعده حتمی خداوند است که هنگام خروج عیسی علیه السلام محقق خواهد شد. فخر رازی در این وجه دو حدیث را به نقل از ابی هریره و سدی در این زمینه می آورد .

۳- اینکه بگوییم تحقق این وعده فقط مربوط به جزیره العرب بوده چنانچه احدی از کفار در جزیره العرب باقی نماند.

۴- غلبه پیامبر صلی الله علیه و آله و ظهور دین و شرایع آن به تمامه برای خود پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است یعنی ضمیر "ه" در " لیظهره علی الدین کله " به رسول الله صلی الله علیه و آله برگردد .

۵- منظور از غلبه، اتمام حجت و غلبه ی حجت و دلیل دین اسلام بوده است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۱۶/۳)

به نظر می رسد فخر رازی وجه اول را پسندیده است در حالیکه می توان گفت آیه شریفه تأکید بر تمامیت إظهار دین اسلام بر تمامی ادیان دارد نه اکثری آنها.

اما وجه دوم مرحوم طبرسی در مجمع البیان با روایات شریفه تأکید کرده است . (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۷۶/۱۱)

از جمله روایاتی که در این زمینه آمده است روایت امام باقر علیه السلام است که می فرمایند : این جریان در زمان ظهور حضرت مهدی از آل محمد است که احدی روی زمین باقی نماند جز آنکه به نبوت محمد صلی الله علیه و آله اعتراف کند . شیخ طوسی نیز روایتی از امام صادق علیه السلامی آورد که این واقعه را " عند خروج القائم علیه السلام " دانسته اند . ضمن اینکه شیخ طوسی تأکید می کند ضمیر " ه " در " لیظهره " هرگز نمی تواند به رسول الله صلی الله علیه و آله برگردد (طوسی، بی تا: ۲۰۹/۵) چنانچه در وجه چهارم به آن

هر حاجت میرا و از هر نقص و عیب مصون است؛ او کمال مطلق است و بیرون از ذات بسیط و نامحدود وی کمالی نیست تا خدا کاری را برای نیل به آن انجام دهد پس وجود لایزال اوست که غایت همه موجودات دیگر است. بنابراین جهان که فعل اوست غایتمند است و به سوی کمال خود در حرکت. کمال نظام وجود، عدالت مصون از ظلم و عقلانیت بدون جهل است؛ عدالت محض و عقلانیت صرف که وجود لایزال الهی (که گفتیم خود غایت همه موجودات است) چنین می باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۷ش: ۳۳/۵۴۴)

این توحید مجسم در عالم وجود، این وحدانیت صرف و اِظْهَار حقانیت در نظام عالم پدیدار نخواهد شد مگر به هدایت خلیفه خدای سبحان یا رسول گرامیش محمد مصطفی صلی الله علیه و آله که عالم است به اسماء حسناى الهی این لطیفه قرآنی را می توان دلیل هم نشینی واژه "اِظْهَار" با "رسول" در سه جای قرآن، سوره توبه آیه ۳۳، فتح آیه ۲۸، صف آیه ۹ دانست. چنانچه واژه "اِظْهَار" با "الدین" نیز در این سه موضع هم نشین یکدیگر قرار گرفته اند که در این قسمت از پژوهش به آن می پردازیم.

هم نشینی واژه "اِظْهَار" با "الدین"

آیه های ذکر شده که در همه آنها عبارت "لیظْهَره علی الدین کله" مشترک است نشان می دهد هدف نهایی انزال کتاب و ارسال رسول، پیروزی دینی است که جهان شمول، همگانی و همیشگی است بر همه ادیان و مکاتب دیگر.

"الدین" جنس دین است بنابراین بر اساس آیات شریفه باید با ادیان منحرف و محرف و هر دینی که غیر حق است و براساس هوای نفس برنامه می دهد، جهاد

اشاره شده است و زمخشری نیز این وجه را تأکید می کند. (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۲/۲۶۵)

علامه طباطبایی همچون شیخ طوسی و مرحوم طبرسی این وجه را که منقول از ابن عباس است مردود می دانند و می فرمایند: لیظْهَره اِظْهَار دین حق است و احتمال ابن عباس احتمالی بس بعید است. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۹/۳۳۰)

می توان گفت اگر "لیظْهَره الرسول علی الدین کله" منظور باشد تحصیل حاصل خواهد بود که با حکمت الهی ناسازگار است. ظهور دین و شرایع آن به تمامه برای پیامبر صلی الله علیه و آله امری واضح و حاصل بود چنانچه قلب مبارک حضرتش در ليله قدر تمامی قرآن را به نحو یکپارچه و دفعی درک کرده بود و تفصیل آن نیز در طول ۲۳ سال نزول تدریجی انجام پذیرفت. بنابراین پیش بینی و وعده خداوند نسبت به امری حاصل، لغو و تحصیل حاصل است که چنین امری محال و خلاف حکمت الهی است.

بنابراین آیه شریفه نشان می دهد که "رسول خدا" صلی الله علیه و آله به جهت رسالتی که بر دوش اوست وظیفه اِظْهَار دین را به عهده دارد و البته نکته ای که قابل توجه است و هم نشینی "رسول" با "اِظْهَار" را مدلل می کند آن است که غیر از نماینده و خلیفه خدای سبحان کس دیگری نمی تواند پرچم دار چنین مسئولیت خطیری باشد؛ هر کسی بخواهد در اِظْهَار دین خدا و اتمام نور آن نقشی داشته باشد به رهبری و زعامت "رسول" است و اراده خدا در تحقق این فعل با واسطه رسولش و تالی تلوان او انجام می گیرد.

فعل خدا حکیمانه و دارای هدف است البته این غایت به فعل بر می گردد نه فاعل زیرا ذات خدای سبحان از

فرهنگی داشت. شاهد های قرآنی ما در این مسئله آیات شریفه زیر است:

«وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ» (۲۶/۴۰)

این آیه شریفه دین را در مورد آیین فرعون عنوان کرده است.

«فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ آخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ آخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ» (۷۶/۱۲)

" دین الملک " در این آیه دین مصریان است در زمان وزارت حضرت یوسف علیه السلام «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِيَ دِينِ» (۶ / ۱۰۹)

این آیه چنانچه ملاحظه می شود آیین مشرکان حجاز نیز " دین " نامیده شده است.

توجه در این نمونه های قرآنی روشن می سازد که دین اعم از حق و ناحق است و برای اظهار دین حق باید تمام دین ها و مکاتب دیگر برچیده شود که لازمه این برچیدگی جهاد فرهنگی عظیم است با رهبری رسول صلی الله علیه و آله و پیروی بیرون رسول صلی الله علیه و آله در طول تاریخ؛ اما اگر جهاد فرهنگی به تنهایی کافی نبود و سودی نبخشید باید به مبارزه نظامی روی آورد و فتنه را نابود کرد چنانچه خدای سبحان به این مهم امر کرده است: " قاتلوهم حتی لا تکون فتنه و یکون الدین کله لله " (۳۹/۸) و تحقق این امر را نیز وعده داده است: " لیظهره علی الدین کله ". همانطور که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: " الاسلام

یعلو و لایعلی علیه " (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۳۳۴/۴) این نکته با دقت در آیه شریفه زیر نیز به دست می آید: « فلا تطع الکافرین و جاهدهم به جهادا کبیرا » (۵۲ فرقان)

بررسی نظرات مفسرین نشان می دهد ضمیر در " به " به قرآن برمی گردد (شیخ طوسی ، ج ۷ ، ص ۴۹۸ ؛ /طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۱۴۳/۳، فخررازی، ۱۴۲۰ق: ۴۷۴/۲۴) لذا توجه به جهاد فرهنگی به قدری مهم است که تعبیر جهادا کبیرا برای آن به کار رفته است. فخر رازی معتقد است که منظور از جهاد در این آیه نمی تواند قتال باشد زیرا این سوره مکی است و امر به قتال بعد از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله با یک فاصله زمانی نازل شده ، بنابراین عنوان جهاد کبیر در آیه شریفه به مجاهده با قرآن برمی گردد . مجاهده ای که می تواند شامل تحدی قرآن ، احتجاج با قرآن ، تعلیم و علم آموزی و زدودن ظلمت جهل و نادانی و گسترش نور علم و ایمان به وسیله قرآن ، تربیت و تزکیه نفس ، از بین بردن ظلمت هواهای نفسانی و گسترش نور عمل صالح توسط قرآن کریم است که نیازمند ریاضت علمی و عملی است و جهاد کبیر زیباترین عنوانی است که برای این مهم مطرح شده است.

رسول الله صلی الله علیه و آله با تبذیر و تبشیر دائما امت اسلامی را و تک تک انسان های روی زمین را به این جهاد عظیم و کبیر الهی فرا می خواند و اکنون نیز مستمرا با معجزه شریعت خود ، کتابی که مهیمن است این تبذیر و تبشیر و جهاد کبیر ادامه دارد . چنانچه علامه طباطبایی می فرمایند " فالمراد تلاوته علیهم و بیان حقایقه و اتمام حجتهم علیهم . . . مثل الشمس فی

به دنبال طلب و اراده اطفاء از طرف کافران، خدای متعال اتمام نور خود را مطرح کرده و زمینه اظهار دین حق در سراسر عالم را به وسیله آن فراهم می کند. در واقع اتمام نور، احقاق حق و ابطال باطل در جهان خارج است مانند آنچه در آیه شریفه زیر مشاهده می کنیم: "لیحق الحق و يبطل الباطل و لو كره المجرمون" انفال / ۸. این معنا همان وعده‌ای است که خدای سبحان در " لیظهره علی الدین کله " به تمامی بشر داده است.

مؤلفه‌های معنایی " اظهار " بر محور جانشین ها

رابطه اظهار و اظفار

یکی از واژگانی که در سطح جانشینی واژه " اظهار " در قرآن کریم به کار رفته است واژه اظفار می باشد .

«وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا»
فتح/ ۲۴

فاعل اظفار و اظهار خدای تعالی است، اوست که مسلمانان را پیروز ساخت چنانچه اوست که غلبه می دهد دین حق را بر سایر ادیان؛ گرچه این پیروزی و آن غلبه دادن به دست مسلمانان و به واسطه آنها صورت می گیرد. ریشه واژه اظفار "الظفر" است که به معنی دستیابی به مطلوب و شکست دادن دشمن می باشد (الفراهیدی، ۸ / ۱۵۸؛ عسکری، ۱۴۰۰ق: ۲۰۵). معنای اصطلاحی آن نیز به معنای لغوی این واژه نزدیک است چنانچه " من بعد أن أظفرکم علیهم " ترادف معنایی با " أظهرکم علیهم " دارد (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش: ۱۲/ ۲۹۰) و معنای غلبه حق را در بر می گیرد (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۳/ ۲۶۴).

الدلالة على الظل الممدود و نسخه بأمرالله . . . " (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۲۲۸/۱۵)

هم نشینی واژه " اظهار " با " اطفاء " و " اتمام " واژگان دیگری که با واژه " اظهار " در آیات شریفه قرآن هم نشین است " اطفاء " و " اتمام " می باشد که به معنای " خاموش کردن " و " به پایان رساندن " می باشد . آیتی از قرآن کریم واژگان فوق را در کنار هم بیان می کند :

«يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۳۲) هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه ۳۳)

«يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (صف ۹)

اینکه دیگران قطعاً نمی توانند نور خدا را خاموش کنند و خداوند نیز نور خود را مرحله به مرحله به اتمام می رساند و روشنایی اش را به تمامه در عالم نشان خواهد داد، از عبارت " یا بئى الله الا ان يتم نوره " فهمیده می شود یعنی " نفی اطفاء " و " انجام اتمام " . البته این دو معنا در هر دو آیه مشترک است و مقدمه اظهار دین حق قرار گرفته اما فعلی بودن جمله " و یا بئى الله الا ان يتم نوره " در مقابل اسمی بودن جمله " والله يتم نوره " همچنین ورود " ان " بر فعل به جای " لام " نشان می دهد در سوره توبه ، کافران مستقیماً خواستار اطفاء هستند بر خلاف سوره صف که فراهم کردن مقدمات و اسباب اطفاء را اراده کرده اند . (جوادی آملی، ۱۳۸۷ش: ۳۳ / ۳۳۴ - ۵۴۲)

اما نکته‌ای که جانشینی إظهار و إظفار را مدلل می‌کند آن است که آیه شریفه حکایت از پیروزی بی دارد که بدون درگیری محقق شده است (طباطبایی، ۱۴۰۲ق: ۲۸۸/۱۸ ؛ قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق: ۲۴۸/۱۰) همان‌طور که إظهار دین حق و پیروزی آن بر ادیان دیگر اولاً و بالذات به وسیله اقناع علمی صورت می‌گیرد نه جهاد مسلحانه.

رابطه إظهار و علو

واژه " علو " و هم ریشه های آن ۶۸ بار در قرآن کریم به کار رفته است اما فقط یکی از کاربردهای آن جانشین معنایی واژه " إظهار " گردیده است:

إِلَّا تَتَضَرَّوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا أَتَيْنِي إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (توبه آیه ۴۰)

" العلیا " در آیه شریفه به معنای " المرتفعه ، المنصوره " (طوسی ، بی تا: ۲۲۲/۵) " المرتفعه بغير جعل جاعل " (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۴۹/۵) می باشد.

ابن عباس مراد از " کلمه الله " را که در مقابل " کلمه الذین کفروا " به کار رفته " کلمه التوحید " دانسته است (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۲۹۰/۵) به تعبیر دیگر " لاإله إلا الله " (ابن کثیر (ابن ابی حاتم)، ۱۴۱۹ق: ۱۳۶/۴) . بعضی نیز مقصود از کلمه الله را " دعوة الاسلام " می دانند که همان توحید است (بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۴۱۶/۱ ، اشکوری، ۱۳۷۳ش: ۲۶۸/۲)

دین خدا و شأن رسول او فی نفسه علو و رفعت مقام دارند اگرچه پیروزی ظاهری گاهی با جبهه کفر باشد اما پایدار و ثابت نیست بلکه این خدای تعالی است که به جهت عزت و حکمت ذاتی خویش، مظهریت نورش، علو و رفعت رسول و نصرت دینش ثابت و پایدار و جاودانه خواهد بود. (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ۱۰۰/۱۰ ، فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۱۶ / ۵۵ ، بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۸۲/۳)

رابطه إظهار و غلبه

واژه " غلبه " و هم ریشه های آن ۳۱ بار در قرآن کریم به کار رفته است. اما فقط سه مورد از کاربردهای آن می تواند جانشین معنایی واژه إظهار در قرآن باشد:

«كَتَبَ اللَّهُ لِلَّهِ لَأَعْلَيْنَ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ»
مجادله/۲۱

غالب شدن و غلبه پیدا کردن مخصوص خداست و رسولش (طبری ، جامع البيان ج ۲۸ ص ۱۸) هرچند به ظاهر و در مدت محدود ممکن است جبهه کفر پیروز گردد اما ناپایدار می باشد . این غلبه اعم است از غلبه به وسیله حجت و برهان و غلبه ی با جنگ و جهاد (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۴۹۶/۴) همان‌طور که در مورد إظهار در " لیظهره علی الدین کله " مطرح می شود که با جهاد علمی و عملی هر دو باید صورت پذیرد گرچه جهاد فرهنگی یعنی غلبه با برهان و دلیل اولویت دارد . بعضی از مفسرین مقصود از غلبه در این آیه را منحصر در پیروزی به وسیله حجت و برهان می دانند (بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۱۹۶/۵ ، قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش: ۱۳/۱۴۸) اما می توان گفت غلبه جبهه حق علیه باطل شمولیت دارد در سه ساحت حجت ، تأیید غیبی ، طبیعت ایمان

آیه دیگری که واژه مهیمن در آن به کار رفته است آیه ۴۸ از سوره مائده است:

«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ ... ۴۸»

کلمه "مهیمن" به معنای فائق و مسلط بر شخصی یا چیزی است. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۳۸۲/۱۹) البته مراقب، محافظ و شاهد بودن نیز برای معنی مهیمن به کار رفته است (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۵۰۹/۴، آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۲۵۶/۱۴، بحرانی، ۱۴۱۶ق: ۳۴۷/۵ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۱۶۰/۵، اشکوری، ۱۳۷۳ش: ۴۴۴/۴، مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۲۹۵/۷، امین، بی تا: ۲۴۴/۱۳) و می توان گفت جامع ترین تعریف در کلام علامه چنین آمده است که هیمنه ی چیزی بر چیزی یعنی تسلط آن بر دیگری بوسیله حفظ و مراقبت و انواع تصرف (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۳۴۸/۵)

پس قرآن که "مهیمننا علیه" است بر تمام کتابهای آسمانی نگهبان است و آنها را از تغییر حفظ می کند، به درستی آنها گواهی می دهد و حکم او غالب و استوار بر همه آنهاست (امین، بی تا: ۳۲۱/۴، طبرسی، ۱۴۱۲ق: زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۶۴۰/۱)

ملاحظه شد که دین حق الهی که نصرت و اعتلای آن و غلبه ای که بر دیگر ادیان دارد بوسیله قرآنی که مهیمن است تحقق می یابد اما نشان دادن این سلطنت و هیمنه بر عهده مسلمانان است. درست است که تحقق کامل این امر، هنگام ظهور حضرت حجت ارواحنا له الفدا خواهد بود اما زمینه آن به وسیله مؤمنان منتظر فراهم می شود و اگر انتظار فرج برترین اعمال نزد خدای متعال برشمرده شده است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ۶۴۴/۲)، شرط آن مجاهده علمی و عملی برای

(طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۱۹۵/۱۹) و در خصوص غلبه در میدان جنگ و ظهور قهاریت الهی در دنیا باید گفت تحقق قطعی آن زمان ظهور حجت خدا ارواحنا له الفداست. چنانچه اظهار دین حق به طور کامل نیز زمان ظهور خواهد بود.

«... وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» یوسف/۲۱

«وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» مائده/۵۶

غالب بودن امر الهی تعبیر دقیقی است که نظام توحیدی عالم را وصف می کند. علامه در این خصوص می فرماید: «هو تعالی غالب علی هذه الأسباب الفعالة بإذنه يحمل عليها ما يريد فليس لها إلا السمع والطاعة و لكن أكثر الناس لا يعلمون لحسابهم أن الأسباب الظاهرة مستقلة في تأثيرها فعالة بروسها» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۱۱۲/۱۱)

غالب و قاهر بودن خدا و پیامبرانش، تسلط و پیروزی امر و حزب او بر دیگر امور، همان نکته ای است که خدای سبحان در سه موضع از قرآن کریم تحت عنوان "لیظهره علی الدین کله" وعده داده است.

رابطه اظهار و هیمنه

مهیمن در دو جای قرآن کریم آمده است که هر دو موضع، سیطره و هیمنه ی حق و حقیقت را نشان می دهد. المهیمن اسم شریف الهی است که در آیه ۲۳ حشر بدان اشاره شده است:

«هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيِّمُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ» حشر/۲۳

بسترسازی ظهور است ه در موارد متعدد بدان تاکید و سفارش شده است.

این نکته در سوره مبارکه صف که عناصر محوری آن جهاد در راه خداست مطرح می‌گردد. آیه الله جوادی آملی معتقدند بخش مهم این جهاد، جهاد فرهنگی و فکری است؛ خدای متعال در سوره صف آیات ۸ و ۹ هدف رسالت انبیا را معرفی کرده است:

«يُرِيدُونَ لِيُطْفَؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿۸﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»

بررسی ها نشان می دهد هدف رسالت پیامبران با توجه به این آیات و آیه ۳۳ سوره توبه و ۲۸ فتح که همین عبارت " لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ " تکرار شده است؛ دو مورد می باشد، یکی تتمیم نور خدا، دیگری پیروز کردن این نور بر همه مکتب ها و دین هاست. اظهار اعتلای این نور بر همه ادیان، در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به عهده ایشان و در زمان ائمه علیهم السلام به عهده آنها و سپس به عهده علماست. خدای متعال نیز برای همین دو هدف بود که قرآن را فرستاد .

قرآن مبشر است (صف آیه ۶) و رسول الله صلی الله علیه و آله نیز مبشر و بشیر اند (اسراء/ ۱۰۵ و احزاب/ ۴۵ ، فرقان/ ۵۶ ، فتح/ ۶) و بشارت در موردی به کار می رود که سخن جدید و حرف تازه ای در میان باشد. از طرفی بشارت قرآن به کسانی است که اهل فکر و تحقیق هستند چنانچه می فرماید : " فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون أحسنه " (زمر/ ۱۸)

احسن مکاتب را نیز خود قرآن معرفی کرده است آنجا که می‌گوید: «من أحسن قولاً ممن دعا إلى الله و عمل صالحاً و قال إني من المسلمين» (فصلت/ ۳۳) دعوت

به سمت خدا و عمل صالح مشخصه‌های احسن مکاتب است که در آیه دیگری دعوت به سمت خدا تبیین شده است : «أدعوا إلى الله أنا و من اتبعني» (یوسف/ ۱۰۸) پس این دعوت همراه بصیرت، آگاهی و پژوهش باید صورت پذیرد. بنابراین دعوت حق بدون پژوهش بر اساس بر اساس حق مداری ممکن نیست.

با توجه به مقدمات بالا، دو وعده حتمی خدا که در آیات ۸ و ۹ سوره مبارکه صف بیان شده است بهتر تبیین می گردد؛ دو امری که اراده الهی بر تحقق آنها تعلق گرفته است : ۱ - تتمیم نور خدا ۲ - عالمگیر شدن نور خدا (دین حق) .

وعده اول در طی ۲۳ سال تدریجاً تکمیل شد و در جریان غدیر به کمال رسید :

«اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام دينا» (مائده/ ۳)

اما وعده دوم نیازمند زمینه سازی است که باید توسط علمای اسلام و حوزوی ها به این نیاز پاسخ داده شود . خداوند خواسته است که دین حق در عالم اعتلا داشته باشد که قطعاً با سعی و مجاهده و قتال محقق می گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۹/ ۳۳۰).

امام رضا علیه السلام با مکتب های الحادی و انحرافی زمان خودشان مبارزه می کردند ، مناظره می کردند با مسیحی ها ، یهودی ها ، ملحدان، جبری ها، تفویضی ها (التوحید ، شیخ صدوق) . حوزه های علمیه و طلاب علوم دینی که مدعی تأسی به سیره اهل بیت علیهم السلام اند و پیرو قرآن کریم که ثقل اکبر است نیز باید چنین باشند و با الحادها و شبهات روز آشنا شوند ، ضعف ها و تناقضات تورات، انجیل و دیگر ادیان را با پژوهش های حق مدارانه خود استخراج نمایند و قوت

- و استحکام و هیمنه ی قرآن را به مردم نشان دهند .
(جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۳، ۲۵۴)
- نتیجه
- بررسی‌های معاشناسانه نشان می‌دهد " اظهار " که در عبارت " لیظهره علی الدین کله " سه بار در قرآن تکرار شده است؛ همان غلبه و آشکاری است اما کاربرد آن برخلاف آنچه تصور می‌شود در خصوص غلبه قهری نیست بلکه این وعده حتمی که اظهار هیمنه دین حق بر تمامی ادیان است به وسیله جهاد فرهنگی باید صورت گیرد نه قتال؛ بلکه قتال، پیامد نتیجه بخش نبودن کار مسلمین در جهاد علمی و فرهنگی است. اظهار دین خدای تعالی تنها با زعامت انسان کامل ممکن است و دین حق باید جهان شمول و ابدی باشد لذا واژه "رسول" و "دین" در همنشینی این واژه قرار می‌گیرد. این غلبه و پیروزی را که اتمام نور الهی، احقاق حق و ابطال باطل در جهان خارج است قرآن، "جهاد کبیر" می‌خواند زیرا بر سایر معجزات انبیا ظفر، علو، غلبه و هیمنه دارد. بنابراین عزم مسلمانان برای دعوتی همراه با بصیرت، آگاهی و پژوهش برای این جهاد ضرورت دارد.
- منابع
- قرآن کریم
- ابن بابویه. محمد بن علی. (۱۳۹۵ق) کمال الدین و تمام النعمه. تهران: اسلامیه. چاپ دوم.
- _____ . (۱۴۱۳ق) من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ دوم.
- ابن درید. (۱۹۸۸ م) محمد بن حسن. جمهرة اللغه.
- بیروت: دار العلم للملایین. چاپ اول.
- ابن سیده. علی بن اسماعیل. (بی تا) المخصص.
- بیروت: دار الکتب العلمیه. چاپ اول.
- ابن فارس. احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق) معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی. چاپ اول.
- ابن منظور. محمد بن مکرّم. (۱۴۱۴ق) لسان العرب. بیروت: دار صادر. چاپ سوم.
- ابن‌ابی‌حاتم. عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۹ق) تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم). ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز. چاپ سوم.
- ابن‌عاشور. محمدطاهر. (۱۴۲۰ق) تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن‌عاشور. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی. چاپ اول.
- ازهری. محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق) تهذیب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ اول.
- اشکوری. محمد بن علی. (۱۳۷۳ش) تفسیر شریف لاهیجی. تهران: دفتر نشر داد. چاپ اول.
- امین. نصرت بیگم. (بی تا) تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن. بی جا: بی نا. چاپ اول.
- آلوسی. محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار الکتب العلمیه. چاپ اول.
- بحرانی. هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۶ق) البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات بنیاد بعثت.
- بیضاوی. عبد الله بن عمر. (۱۴۱۸ق) أنوار التنزیل و أسرار التأویل. بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی. چاپ اول.
- جوادی آملی. عبدالله. (۱۳۸۷ش) تسنیم تفسیر

- قرآن کریم. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق) الصحاح.
- بیروت: دار العلم للملایین. چاپ اول.
- حمیری. نشوان بن سعید. (۱۴۲۰ق) شمس العلوم.
- دمشق: دار الفکر. چاپ اول.
- راغب اصفهانی. حسین بن محمد. (۱۳۷۴ش)
- مفردات الفاظ قرآن. تهران: مرتضوی. چاپ دوم.
- روبینز. آر. آج. (۱۳۸۵ش) تاریخ مختصر زبان
- شناسی. ترجمه علی محمد حق شناس. تهران: نشر
- مرکز. چاپ هفتم.
- زمخشری. محمود بن عمر. (۱۳۸۶ش) مقدمه
- الأدب. تهران: موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه
- تهران. چاپ اول.
- _____ . (۱۴۰۷ق) الکشاف عن حقائق
- غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه
- التأویل. بیروت: دار الکتاب العربی. چاپ سوم.
- شریعتی. غلام محمد. (۱۳۹۵ش) نقش معنا شناسی
- زبان در تفسیر قرآن. ق: وثوق. چاپ اول.
- صفوی. کوروش. (۱۳۸۳ش) درآمدی بر
- معناشناسی. تهران: سوره مهر. چاپ دوم.
- طباطبایی. محمدحسین. (۱۴۰۲ق) المیزان فی
- تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- چاپ دوم.
- طبرسی. فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش) مجمع البیان
- فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- _____ . (۱۴۱۲ق) تفسیر جوامع الجامع. قم:
- حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت. چاپ اول.
- طریحی. فخر الدین بن محمد. (۱۳۷۵ش) مجمع
- البحرین. تهران: مرتضوی. چاپ سوم.
- طوسی. محمد بن حسن. (بی تا) التبیان فی تفسیر
- القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ اول.
- عسکری. حسن بن عبدالله. (۱۴۰۰ق) الفروق فی
- اللغه. بیروت: انتشارات دار الآفاق الجدیده.
- فخر رازی. محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق) التفسیر
- الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: انتشارات دار احیاء
- التراث العربی. چاپ سوم.
- فراهیدی. خلیل ابن احمد. (۱۴۱۰ق) کتاب
- العین. قم: انتشارات هجرت. چاپ دوم.
- فیض کاشانی محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۵ق)
- تفسیر الصافی. تهران: مکتبه الصدر. چاپ دوم.
- فیومی. احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق) المصباح المنیر
- فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. قم: موسسه دار
- الهجرة. چاپ دوم.
- قرشی بنایی. علی اکبر. (۱۴۱۲ق) قاموس قرآن.
- تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه. چاپ ششم.
- قمی مشهدی. محمد بن محمدرضا. (۱۳۶۸ش)
- تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب. تهران: وزارت
- فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ اول.
- مدنی. علی خان بن احمد. (۱۳۸۴ش) الطراز
- الأول. مشهد: موسسه آل البیت علیهم السلام
- لاحیاء التراث. چاپ اول.
- مغنیه. محمدجواد. (۱۴۲۴ق) التفسیر الکاشف. قم:
- دار الکتاب الإسلامی.